

نقد و بررسی کتاب

«تجاری‌سازی تحقیق با تأکید بر حوزه علوم انسانی»

لیلا نامداریان^۱ | بهزاد دوران^۲

۱. استادیار؛ پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)؛ تهران، ایران namdarian@irandoc.ac.ir

۲. استادیار؛ پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)؛ تهران، ایران dowran@irandoc.ac.ir

چکیده: این مقاله در صدد است به تحلیل انتقادی کتاب «تجاری‌سازی تحقیق با تأکید بر حوزه علوم انسانی» پرداخته و مشخص کند که آیا نویسنده به صورت علمی و دقیق و با رعایت اصل بی‌طرفی مقوله تجاری‌سازی تحقیق در حوزه علوم انسانی را مورد بررسی قرار داده است یا خیر. نتایج بررسی نشان می‌دهد که مشکلاتی از قبیل استدلال‌های ناقص، تلاش در راستای برترنشان‌دادن ایده‌های موافق با مقوله تجاری‌سازی تحقیقات حوزه علوم انسانی، وجود اغتشاش معنایی و کاربرد واژگان به جای یکدیگر، در متن کتاب به چشم می‌خورد و بایسته است که نویسنده در ویرایش‌های بعد، نسبت به برطرف نمودن این ایرادها اقدام نماید.

کلیدواژه‌ها: تجاری‌سازی تحقیق، کاربردی‌سازی تحقیق، علوم انسانی، زیرساخت تجاری‌سازی، موانع تجاری‌سازی تحقیق

۱. مقدمه

تغییر و تحولات اقتصادی در ایران، چه از ناحیه تخصیص منابع و چه از ناحیه تغییر پارادایم اقتصادی، مسئولان، سیاست‌گذاران و دانشگاه‌ها را ناگزیر از توجه به مقوله تجاری‌سازی تحقیقات نموده است. در تمامی برنامه‌های کلان توسعه و علمی اخیر، نظیر برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه و قانون وظایف وزارت علوم، تجاری‌سازی تحقیقات در رأس اهداف قرار گرفته است. تجاری‌سازی در حوزه علوم انسانی که نتایج آن کمتر قابلیت تبدیل شدن به محصول یا فرآورده‌های مادی را دارند، دشوارتر از سایر علوم است. کتاب مورد بررسی با عنوان «تجاری‌سازی تحقیق با تأکید بر حوزه علوم انسانی» به دنبال شناسایی مشکلات پیش روی حوزه علوم انسانی در امر تجاری‌سازی تحقیق و ارائه راهکار برای حل این مشکلات است. در مقدمه کتاب آمده است: «هدف این کتاب، شناسایی چالش‌های فرا روی تجاری‌سازی علوم انسانی،

بررسی قوانین و زیرساخت‌های قانونی کشور به منظور تجاری‌سازی تحقیقات علوم انسانی و ارائه مدلی برای زیرساخت‌های لازم جهت تجاری‌سازی تحقیقات علوم انسانی است. این اثر شامل ۵ فصل است که در قالب ۱۹۲ صفحه منتشر شده است. فصل اول (کلیات): این فصل به بررسی روند شکل‌گیری رویکرد تجاری‌سازی تحقیق و اهمیت تجاری‌سازی تحقیق می‌پردازد. فصل دوم (ادبیات نظری و پیشینه پژوهش): فناوری نرم و کارکردهای آن، مفاهیم و تاریخچه تجاری‌سازی و پیشینه تحقیق موضوع‌های این فصل هستند. فصل سوم (روش‌شناسی پژوهش): در این فصل به شیوه اجرای تحقیق، نمونه و جامعه آماری و نظریه زمینه‌ای با مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی پرداخته شده است. فصل چهارم (تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش): این فصل چالش‌های تجاری‌سازی تحقیقات علوم انسانی را در قالب مقوله‌هایی همچون هویت علمی، سیاست‌گذاری، ناتوان‌میلی پژوهشگر، بدانگاری تجاری‌سازی، و ساختار تحقیقات بیان می‌کند و همچنین زیرساخت آیین‌نامه‌ای و قانونی برای تجاری‌سازی تحقیقات علوم انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت، برای زیرساخت‌های تجاری‌سازی تحقیقات علوم انسانی ارائه می‌شود که مؤلفه‌های آن تحولات در نقش دانشگاه‌ها، ارتقای آکادمیک علوم انسانی، سیاست‌گذاری و طراحی مجدد ساختارها، نهادینه کردن تجاری‌سازی، بسترهای قانونی، شبکه‌سازی و دستیابی به مزیت رقابتی است. فصل پنجم (بحث و نتیجه‌گیری): در این فصل خلاصه یافته‌ها که برگرفته از یافته‌های پژوهش در فصل چهارم است، مطرح شده است.

۲. مقایسه اثر با آثار مشابه

در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، همزمان با کتاب حاضر، در زمینه تجاری‌سازی تحقیقات چندین اثر منتشر شده است. مروری بر این آثار نشان‌دهنده این مطلب است که بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این رابطه، یا به صورت کلی به مقوله تجاری‌سازی پرداخته‌اند و یا یکی از شاخه‌های علوم طبیعی یا فنی و مهندسی را در این رابطه مورد بحث قرار داده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «تجاری‌سازی نتایج پژوهشی در نظام آموزش عالی» که توسط «حسینعلی جاهد» تدوین و گردآوری شده و دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) آن را در سال ۱۳۹۳ منتشر کرده، اشاره نمود. اثر دیگر در این حوزه کتابی است با عنوان «شرکت‌های دانش‌بنیان و فرایند تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی» که «حسینعلی رستگاری» و «محبوبه شجاعی» در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به چاپ رسیده است. کتاب «تحلیلی جامع بر تجاری‌سازی دانش» نیز به کوشش «قاسم رمضان‌پور نرگسی»، «علیرضا مرادی» و «آیدین بنزاده» تألیف شده و توسط نشر «پارسینه» در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است. نکته مهمی که در بررسی آثار منتشر شده به چشم می‌خورد، این مسئله است که هیچ‌کدام از آثار منتشر شده به‌طور مستقیم و ویژه

تبدیل تئوری به عمل علوم انسانی و تجاری‌سازی آن را مورد بررسی قرار نداده‌اند و مدل خاصی در این رابطه ارائه نشده است؛ مسئله ای که به‌خوبی در کتاب «تجاری‌سازی تحقیق با تأکید بر حوزه علوم انسانی»، تبیین شده است.

۳. بررسی محتوایی و ساختاری اثر

در این بخش به بررسی محتوایی و ساختاری اثر می‌پردازیم:

۳-۱. ویژگی‌های مهم اثر

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اثر، چنانکه در بخش قبلی مورد اشاره قرار گرفت، نبودن اثر به‌دلیل تأکید بر حوزه علوم انسانی است. نویسنده به کمک تصاویر، مکملی مناسب برای توضیحات متن تهیه نموده و فهم توضیحات متن را برای کاربر ساده‌تر کرده است. نوع قلم، رعایت فاصله بین کلمات و بین سطرها و حاشیه‌ها منطبق با استانداردهاست. در مواقع لزوم از پانویس‌ها نیز استفاده شده و دارای ارجاعات دقیق و صحیح است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر از لحاظ ساختاری و نگارشی، مستندبودن آن است. نویسنده در تمام متن به استناداتی که در نگارش اثر استفاده شده، به‌درستی و به‌طور کامل اشاره کرده است. گویا، روان و خوش‌خوان بودن اثر از دیگر نقاط قوت اثر است.

۳-۲. نارسایی‌ها و کاستی‌های اثر

در این بخش، ابتدا به برخی از کاستی‌های ساختاری در کتاب اشاره شده و سپس، به ضعف‌های محتوایی کتاب پرداخته می‌شود.

در صفحه عنوان بهتر بود علاوه بر عنوان کتاب و نام پدیدآورندگان، اطلاعات مربوط به ناشر، محل نشر و تاریخ نشر نیز ذکر می‌شد (فتاحی ۱۳۷۷، ۱۱)؛ در حالی که فقط به عنوان و نام نویسندگان و آرم ناشر اکتفا شده است.

به نظر دکتر «حری»، نویسنده در پیش‌گفتار در مورد علت و چگونگی تألیف اثر توضیح می‌دهد و علاوه بر آن از یاری و همکاری سایر افراد و سازمان‌های همکاری‌دهنده به نیکی یاد می‌کند و در مقدمه به تشریح موضوع کتاب می‌پردازد و ذهن خواننده را برای ورود به بخش اصلی متن آماده می‌سازد. علاوه بر آن، نویسنده در مقدمه به هدف، مسئله و شیوه گردآوری اطلاعات، حدود کار و جایگاه اثر در شبکه پژوهش‌های مشابه نیز اشاره می‌کند (حری ۱۳۸۵، ۱۶۴). در واقع در این اثر، متنی که نویسنده به‌عنوان پیش‌گفتار بیان نموده، ویژگی‌های مقدمه را نیز بر خود گرفته و بنابراین، کتاب فاقد مقدمه است.

در فهرست مندرجات کتاب، عناوین فصل‌ها قید نشده و تنها به شماره فصل‌ها اشاره شده است.

در برخی از جاهای کتاب ارجاعات اشتباه به جداول داده شده (برای نمونه جدول ۲-۲ در صفحه ۸۷ کتاب با عنوان جدول ۱۱-۲ مورد ارجاع واقع شده است).

با توجه به اینکه کتاب، تخصصی است وجود واژه‌نامه (فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی) و همچنین، نمایه می‌توانست به غنای هرچه بیشتر اثر کمک کند.

فصل‌بندی اثر مناسب ساختار کتاب نیست و بیشتر به ساختار یک پایان‌نامه شباهت دارد. اگرچه این کتاب برگرفته از رساله نویسنده است، ولی اکنون که در قالب یک کتاب انتشار یافته، می‌بایست استانداردهای کتاب در آن رعایت می‌شد.

در این بخش به نقد محتوایی اثر اشاره می‌شود. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در این کتاب محل چالش است، کاربرد ترمینولوژی تجاری‌سازی در حوزه علوم انسانی است. تجاری‌سازی تحقیق به معنای تبدیل نتایج تحقیقات به محصولات، خدمات و فرایندهایی است که می‌توانند موضوع معاملات تجاری باشند (Downie 2006). خاستگاه رویکرد تجاری‌سازی تحقیق، در تحقیقات علوم طبیعی^۱ و فنی-مهندسی قرار دارد. با توجه به ماهیت این علوم و ارتباط نزدیک آن‌ها با صنعت و نوع تحقیقاتی که در این رشته‌ها انجام می‌شود، فرایند تجاری‌سازی و تبدیل دانش به فناوری در این رشته‌ها بسیار آسان‌تر و ملموس‌تر است و به همین سبب، تقاضا نیز بیشتر می‌باشد. اما در علوم انسانی بنا بر ماهیت حوزه تحقیق و تولید دانش که با علوم طبیعی تفاوت دارد، توان تولید فناوری، محصولات و دانش فنی آن‌طور که در این علوم وجود دارد، به صورت کالا یا محصولی ملموس، کمتر دیده می‌شود. لذا، تجاری‌سازی در خصوص این حوزه با چالش‌های زیادی همراه است. البته در برخی از رشته‌های علوم انسانی نظیر بازاریابی، مدیریت و اقتصاد پتانسیل لازم برای تبدیل شدن به دانش فنی و تجاری‌سازی وجود دارد، اما در خصوص برخی از رشته‌های دیگر نظیر فلسفه و تاریخ، این کار مشکل است و تنها در خصوص این رشته‌ها می‌توان از لفظ کاربردی‌سازی علوم و کسب ارزش اجتماعی به جای ارزش اقتصادی استفاده نمود. کاربردی‌سازی تحقیقات علوم انسانی بدین معناست که آنها معطوف به حل مسائل و مشکلات اجتماع باشند که لزوماً ممکن است منجر به ارزش اقتصادی و کسب سود نشوند، ولی در عوض با ساماندهی و ایجاد نظم و ترتیب در اجتماع (نظیر حل مشکل اعتیاد، طلاق و بیکاری) و توسعه تفکر انتقادی در جامعه و تربیت نیروی خلاق منجر به کسب ارزش اجتماعی در جامعه گردند. با توجه به این موضوع، لفظ «کاربردی‌سازی» نتایج تحقیقات علوم انسانی متفاوت از لفظ

1. natural science

«تجاری سازی» تحقیقات علوم انسانی است و در این کتاب اغتشاش معنایی در کاربرد برخی واژگان رخ داده است. بنابراین، وقتی بحث از مقوله «تجاری سازی در حوزه علوم انسانی» است، باید تک تک رشته‌های علوم انسانی در نظر گرفته شود. با توجه به نکات مذکور، حلقه مفقوده در این کتاب، عدم تعیین مشخص حوزه و رشته‌هایی از علوم انسانی با قابلیت و پتانسیل تجاری سازی و بحث و بررسی در خصوص آنها بوده و استفاده از لفظ «تجاری سازی» برای دستاوردهای تحقیقاتی همه رشته‌های علوم انسانی است.

در کتاب مورد بررسی، فصل سوم تماماً به بررسی روش تئوری داده‌بنیاد، که روش مورد استفاده در تحقیق جهت استخراج چالش‌ها و زیرساخت‌های تجاری سازی تحقیقات در حوزه انسانی است، اختصاص داده شده و شکافی موضوعی را در بین مطالب کتاب ایجاد نموده است. به عبارتی، اختصاص دادن یک فصل کامل از کتاب به روش تحقیق، سبب ایجاد ظاهری نامناسب و خارج از عرف و استانداردهای کتاب‌نویسی و شباهت آن با طرح‌های تحقیقاتی و پایان‌نامه‌ها شده است.

در فصل چهارم، صفحه ۱۱۷، یکی از چالش‌های عمده تجاری سازی تحقیقات علوم انسانی در قالب مقوله‌ای تحت عنوان سیاست گذاری بیان شده است. در رابطه با این مقوله، یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست گذاری کشور در تجاری سازی تحقیقات علوم انسانی در سیاست گذاری‌های موجود کشور از سوی نهادهای مختلف سیاست گذاری است. برای نمونه وجود سیاست‌های متناقضی نظیر اسلامی سازی علوم انسانی و دعوت محققان این حوزه به داشتن دغدغه‌های معرفت‌شناسانه از یک سو و همچنین، سیاست‌هایی که پژوهشگران را به بازار و تجاری سازی از سوی دیگر دعوت می‌کنند، سبب ایجاد چندپارگی در میان محققان علوم انسانی شده است. این نکته یکی از چالش‌های مهمی است که به نظر می‌رسد می‌بایست در چالش‌های سیاست گذاری مورد توجه قرار می‌گرفت.

در جدول ۳-۴، صفحه ۱۱۷، به نظر می‌رسد که موانع حقوقی می‌توانست در مفهوم مشکلات مربوط به بستر سازی لحاظ شود و نه بدانگاری‌های تجاری سازی که چندان معرف این موانع نیست. در جدول ۷-۴، صفحه ۱۳۲، به ابعاد و مؤلفه‌های مدلی بهینه برای زیرساخت‌های تجاری سازی تحقیقات علوم انسانی اشاره شده است. در این رابطه، ذکر دو نکته ضروری است: اولاً در تحقیقات کیفی نمی‌توان این ادعا را داشت که «مدل توسعه یافته» بهینه است؛ استفاده از لفظ «مدل مطلوب» بهتر است. دوم اینکه، بسیاری از مواردی که در این جدول به عنوان زیرساخت مطرح شده، از نوع توصیه است، نه زیرساخت عملیاتی که راه حلی برای چالش‌ها و موانع تجاری سازی در حوزه علوم انسانی باشد. برای نمونه (تغییر در رویکرد تخصیص منابع، تسلط پارادایم اقتصاد دانش‌بنیان و دستیابی به توانمندی علمی در رشته‌های علوم انسانی).

در فصل پنجم، صفحه ۱۶۳، شکل ۱-۵، پیامد عدم تجاری‌سازی در تحقیقات علوم انسانی، تضعیف هویت علوم انسانی دانسته شده است، در حالی که هویت علوم انسانی در ارتباط با تولید ثروت و سود اقتصادی تعریف نمی‌شود؛ چراکه قبل از ایجاد ارزش اقتصادی، علوم انسانی اهداف مهم‌تری چون دستیابی به ارزش اجتماعی، گسترش تفکر انتقادی، تربیت نیروی انسانی خلاق و ایجاد انعطاف‌پذیری در جامعه را دارد.

۴. نتیجه‌گیری

تجاری‌سازی می‌تواند در برخی از رشته‌های علوم انسانی نظیر مدیریت، اقتصاد، بازاریابی که آن‌ها را می‌توان راحت‌تر به دانش فنی تبدیل نمود، تحقق یابد، اما در خصوص برخی دیگر از رشته‌ها نظیر فلسفه و تاریخ و یا سایر علوم نظری چندان عملی نیست. البته این بدین معنا نیست که نمی‌توان برای این علوم جنبه کاربردی در نظر گرفت. امروزه، غالب دست‌اندرکاران از جنبه‌های کاربردی علوم انسانی اطلاعات کافی ندارند. در یک تعریف، کاربردی کردن علوم انسانی یعنی علوم انسانی به طریقی حرکت کند که به حل مسئله ناظر باشد و به یک نیاز از نیازهای جامعه پاسخ دهد. اما این خطر را باید در نظر گرفت که نباید از هیچ علمی از علوم انسانی صرفاً انتظار داشت که کاربردی عمل کند؛ چراکه علوم انسانی را به راهی می‌کشاند که برای اثبات مشروعیت خود ناچار می‌شود ادعاهای صوری مطرح کند و در نتیجه، به تولید یافته‌های ساختگی بپردازد. درست است که اقتصاد این جامعه رونق می‌یابد، اما پایه‌های تمدن‌سازی خود را از دست می‌دهد. به عبارتی، باید به گونه‌ای عمل نمود که زاینده‌گی تئوریک علم حفظ گردد و به تحقیقات بنیادین نیز اهمیت داده شود.

فهرست منابع

جاهد، حسینی. ۱۳۹۳. تجاری‌سازی نتایج پژوهش در نظام آموزش عالی. تهران: دانشگاه آزاد، واحد یادگار امام خمینی (ره).

حری، عباس. ۱۳۷۸. آیین نگارش علمی. تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.

رستگاری، حسینی، و محبوبه شجاعی. ۱۳۹۳. شرکت‌های دانش‌بنیان و فرایند تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی.

رمضان‌پور نرگسی، قاسم، علیرضا مرادی، و آیدین بنزاده. ۱۳۹۴. تحلیلی جامع بر تجاری‌سازی دانش. تهران: نشر پارسینه.

فتاحی، رحمت‌الله. ۱۳۷۷. فهرست‌نویسی: اصول و روش‌ها. مشهد: دانشگاه فردوسی.

Downie, J. 2006. The power of money: commercialization of research conducted in public institutions. *Journal of Otago Law Review* 11 :305-325.